



معلمین؛ بین دو قطب افسردگی یا شورش



هستند اما متأسفانه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در زمینه اعمال نظام پرداخت هماهنگ برای معلمان و فرهنگیان کوتاهی کرده و لایحه پرداخت ویژه به فرهنگیان و معلمان براساس مسیر ارتقاء شغلی که سازمان مدیریت

همه اینها ما را بر آن داشت تا با تکی چند از معلمان به گنگو بنشینیم. با آقای علی پورسلیمان فوق لیسانس مدیریت آموزش از دانشگاه تهران با ۱۴ سال سابقه کار در آموزش پرورش و عضو شورای مرکزی سازمان معلمان، آقای محمد داوری فوق لیسانس مدیریت آموزش با ۱۲ سال سابقه فعالیت آموزشی و مطبوعاتی و مدرس رسمی آموزش خانواده و هوادار سازمان معلمان و همچنین آقای شیرزاد عبداللهمی لیسانس زیست شناسی با سابقه ۲۲ سال کار در آموزش پرورش و جزو اولین فعالان سیاسی صنفی معلمان و عضو مؤسس کانون صنفی معلمان در این میزگرد شرکت کرده اند.

حرکت از یک اعلامیه آغاز شد، کپی های آن به سرعت برق و باد در همه جا منتشر و معلمان را به وجد آورد. برخی از معلمین، سال های دهه چهل را به یاد آوردند و برخی از تحصن بهره برداری برای انجام کارهای شخصی کردند اما همگان را عقیده بر این بود که این حرکت همراهی خردمندانه می طلبد. به شرط ها و شروط ها، اینکه تشکل ها توسط وزارتخانه به رسمیت شناخته شود، اینکه حداقل نام مشاور وزیر در امور تشکل ها مشخص شود. اینکه به معلم با آید خیریه بگیرد بن های شهرداری و تشکرهای پدر مادرها... نگاه نشود.

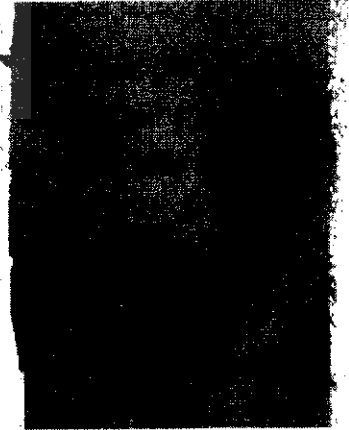


انگیزه و علت وقوع این تحصن ها از نظر شما چیست؟

قرار بود آن رادر مجلس مطرح کنند اما مطرح نشد. جمع بندی من از صحبت های وزیر آموزش و پرورش و مسوولان سازمان مدیریت این بوده که نتوانستند پاسخ واقع گرایانه ای نسبت به اعمال تبعیض بین اقشار مختلف کارمندی ارائه بدهند زیرا آقای عسگری آزاد معارن سازمان مدیریت و برنامه اعلام کرد تنها ۱۰ درصد از کارمندان از مزایای ویژه استفاده می کنند. حال سوال ما اینست که این ۱۰ درصد چه مزایا و چه ویژگی های خاصی دارند که باید ۹۰ درصد بقیه در

پورسلیمان: در جریان تجمع معلمان در مدارس، گزارشات و مطالب بسیاری در روزنامه ها به چاپ رسیده و عمده این مطالب به بررسی جنبه منفی آن پرداخته شده و لیکن بحث اصلی این حرکت حول تبعیضی است که در حق فرهنگیان صورت می گیرد.

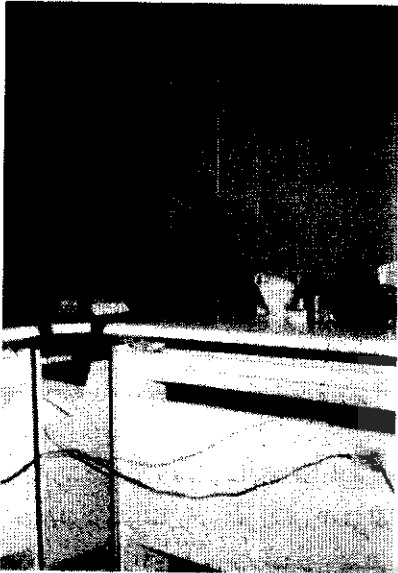
در بیانیه شماره یک سازمان معلمان هم که با عنوان "اتمام حجت" صادر شد و در بسیاری از نشریات به چاپ رسید، خواسته های معلمان بیان شده و اینکه در انتظار حرکت سریع از مسئولان



معلمین انتظار دارند رسانه ها امانتداری کنند نه اینکه هر کس به دلیل جناح و ایستگاه به خود حرکت معلمان را چاپ یا راست تعبیر کند.



این پتانسیل نهفته سرباز می‌کرد و با شورش‌ها و بحران‌های اجتماعی همراه می‌شد و اثرات زیانباری را برای جامعه بوجود می‌آورد. این حرکات از چه زمانی شروع شد؟



اولین جرقه اعتراض معلمان در تاریخ دی و بهمن سال ۸۰ انجام شد آن هم به دعوت سازمان معلمان که در تربیت معلم شهید باهنر، اعضای سازمان جمع شدند. این ادامه پیدا کرد تا اینکه آخرین تجمع ۲ هزار نفر از فرهنگیان در جلوی دفتر ریاست جمهوری که مصارف با سفر دبیر کل سازمان ملل به تهران بود که معلمان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

در مورد صحبت رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی در خصوص اینکه چرا معلمان راه دیگری برای بیان اعتراضات خود به کار نمی‌بینند نظر شما چیست؟

پورسلیمان: در کشور ما به عنوان یک کشور جهان سوم مسائل مکتوب و سیستم نام‌نگاری در کشور جواب نمی‌دهد. از طرفی دیگر به بهانه‌های مختلف، وزارت کشور هم با تجمعات مخالفت می‌کند. نمونه آن تجمع کانون صنفی معلمان بود، اما این مسئولان هستند که باید بگویند اعتراضات معلمان باید چگونه باشد. اگر اعتصاب

نقش معلمی ندارم. ابوطالبی: پویش اجتماعی معلمان بخشی از جنبش دموکراتیک اصلاح طلبانه مردم ایرانی است این پویش جنبه‌های مختلفی دارد یک بخش مسائل معیشتی و مادی و وجه دیگر بخش دموکراتیک آن است که بین معلمان و اقشار دیگری چون زنان، جوانان و کارمندان مشترک است. در حرکت‌های اخیر، بعد صنفی و معیشتی مسئله به قدری برجسته شد که سایر وجوه را تحت تأثیر قرار داد در حالیکه معلمان به عنوان یک قشر فرهنگی قبل از اینکه به فکر مسائل معیشتی باشند به فکر آزادی و حقوق انسانی خودشان هستند.

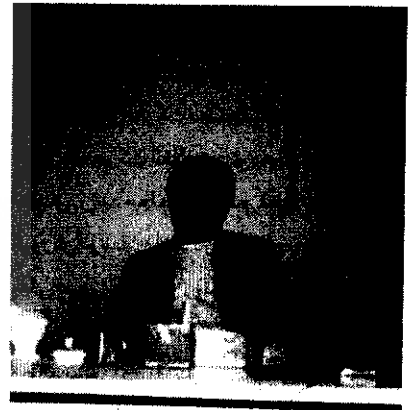
حتی اگر در حوزه صنفی مسائل معلمان را نگاه کنیم جز مسائل معیشتی مسائل بسیار دیگری وجود دارد که باید به آنها پرداخته شود مانند، نحوه انتخاب معلم، کزینش‌ها، مسئله پرورشی تربیتی و آموزش و پرورش، برنامه‌های درسی تربیت معلم، دوره‌های ضمن خدمت، مسئله کتاب‌های درسی، اصلاح مدیریت‌ها در آموزش و پرورش و....

به نظر من اصلاح وضع معیشتی معلمان صرفاً در چارچوب اصلاحات کلی در سیستم آموزش و پرورش امکان‌پذیر است

آموزش و پرورش یک سیستم است که یک جز آن معلم است. بهبود وضعیت معیشتی معلمان به تنهایی ممکن نیست مگر اینکه کیفیت کار معلم و راندمان کاری افزایش یابد و در واقع بهره‌وری معلم بالا برود که این هم صرفاً در چارچوب اصلاح کل نظام آموزشی مسیر است. در مورد مسائل دموکراتیک به این صورت است که اگر آزادی نباشد حتی امکان طرح مسائل صنفی وجود نخواهد داشت کمالاتی که مادر یک دوره طولانی تا سال ۷۶ چیزی به اسم مطالبات معیشتی معلمان نداشتیم و تنها در سایه فضای سیاسی مناسب بعد از دوم خرداد معلمان توانستند تشکل‌ها و مطالباتشان را داشته باشند.

پورسلیمان: در این خصوص بحث عمده این است که دوم خرداد پتانسیل نهفته معلمان را کانالیزه کرد. اگر حماسه دوم خرداد انجام نمی‌شد

نارضایتی بسر ببرند و تنها ۱۰ درصد راضی باشد. به نظر من انگیزه اصلی این حرکت، اعتراض مدنی جامعه فرهنگیان به اعمال تبعیض در خصوص پرداخته‌ها و جنبه‌های معیشتی است. داوری: همیشه انگیزه‌های واقعی حرکت‌های صنفی و تشکیلاتی که در کشور وجود دارد در جامعه مطرح نمی‌شود و قابل تأسف است که مطبوعات و رسانه‌های محلی در انعکاس این انگیزه‌های واقعی کوتاهی کردند به نظر من انگیزه واقعی فرهنگیان این بوده که علت کاهش انگیزه کاری آنها شناسایی شود و برای افزایش انگیزه شغلی و برای ایفای نقششان چاره‌ای اندیشیده شود. فریاد آنها این است که ما برای ایفای نقشمان ناتوانیم و این ناتوانی به دلیل ویژگی‌های شخصی و یا مهارت‌هایی که لازمه شغلی معلمی نیست بلکه به دلیل شرایطی است که انگیزه را از آنها گرفته که بیشتر جنبه منزلتی و معیشتی دارد. به عبارتی برای



معلمین ۳ میم لازم است: معرفت، منزلت و معیشت.

ولیکن در حال حاضر معلم توانایی و انرژی که می‌تواند بکار بگیرد نداشته و اگر از هر معلمی سوال کنید می‌گوید من توان و انرژی را برای ایفای

و تحصن به عنوان یک حق مسلم در جهان مورد توجه است باید شیوه خاصی را معلمان در پیش بگیرند آن را مشخص کنند.

داوری: اگر مسوولان، تحصن معلمان را یک حرکت صنفی می دانند باید به این سوال پاسخ بدهند که آیا آنها می خواهند در شکل خاصی صحبت های معلمان را بشنوند و دیگر سوالی که پیش می آید این است که آیا واقعاً مسوولین نمی دانند که معلمان چه می خواهند؟

اگر بدنبال این هستند که اعتراضات را مدنی و قانونی کنند باید راهکارهای قانونی آن را نشان بدهند بگویند قانون این راه را پیشنهاد کرده در این جاست که ضعف قانونی مشخص می شود یعنی شرایط سیاسی و اجتماعی ما تعریفی برای ظهور اعتراض ها و مشخصه هایی برای شکل قانونی آن تعیین نکرده اند.

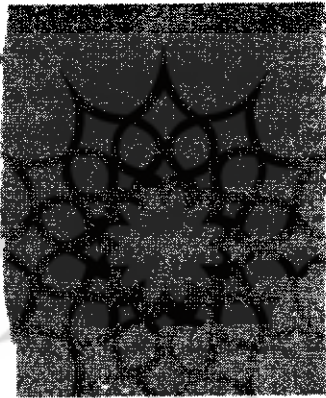
ابوطالبی: من معتقدم معلم ها قبل از اینکه آخرین تیر ترکش مبارزات صنفی شان را (حتی اگر حرکت معلمان را در چهارچوب معیشتی و صنفی محدود ببینم) رها کنند باید قانونمندی های کار صنفی را رعایت کنند. معلمان اولین قشری نیستند که برای خواسته های صنفی شان دست به اعتراض می زنند. در درجه اول معلمان باید صاحب تشکیلات باشند در درجه دوم دارای نشریه سراسری باشند تا از طریق آن بتوانند با هم ارتباط داشته باشند، درجه سوم باید دارای رهبری صنفی باشند که این پیشاهنگان نقشه راه را داشته باشند و دارای شناخت و آگاهی از موضوع باشند و تقاضاهای خود را مرحله به مرحله پیش ببرند. مادر سال ۸۰ دیدیم که معلمان به خیابان آمدند و تظاهرات کردند. در همین حرکت قبلی معلمان دست به تحصن زدند بدون اینکه قبلاً برای بازتاب این تحصن و بهره برداری از آن ارتباط با گروه های اجتماعی داشته باشند به صورت پراکنده در مدارس نشستند، به نظر من معلم ها قبل از این کارها باید تشکیلاتشان را ایجاد کنند،

تشکل ها باید به تئوری بها بدهند و بدنبال راه حل های کارشناسی باشند. این فیلم ها خوب نیست که مسوولین تشکل ها بیایند و بگویند

وظیفه ما صرفاً طرح مسئله است و این وظیفه دولت است که راه حل پیدا کند. تا بحال در مورد مسائل آموزش و پرورش راهکار مدنی که مورد توافق معلمان باشد ندیدم.

علت این ضعف را شما چه می دانید؟

ابوطالبی: ضعف مدیریت، ضعف آگاهی عمومی جامعه، انباشته شدن تجربه صنفی معلمان از جمله علل این ضعف به حساب می آیند. به طوریکه فعالیت معلمان از سال ۱۳۴۰ که حرکت وسیعی در آن سال انجام شد، تعطیل شد و همه این عوامل باعث شد به اندازه کارگران هم، تجربه



مسائل صنفی را نداشته باشیم.

داوری: اگر ما می خواهیم بگویم چه راهکارهایی وجود دارد و داشتن تشکلات و نشریه را مورد خوبی می دانیم باید این مسئله هم بررسی شود که آیا در جامعه ما بستری برای این فعالیت ها وجود دارد و آیا بدنه فرهنگی جامعه ما توان چنین راهکارهایی را دارد یا خیر؟ چرا چنین بستری در تاریخ آموزش و پرورش غایب است؟ آیا خود این مسئله که این بستر وجود ندارد نباید بررسی شود؟ آیا معلم با مشکلاتی که دارد توان شرکت و یا فعالیت در این تشکیلات را دارد؟ آیا توان فعالیت در یک نشریه را دارد؟

معلمان همیشه به جایی وابسته بودند و همیشه به تریبونهایی برای بیان خواسته هاشان نیاز داشتند و همیشه خواسته ها و حرف هاشان از

صافی هایی گذشته یعنی توان ارائه خواسته ها و نظرات را نداشتند و آنجا که در جامعه ما انتشاری که تریبون های قوی دارند به نحوی به قدرت متصل هستند قشر فرهنگی جامعه مادر این راه با مشکلات فراوانی روبرو شده است.

برای ایجاد یک بستر مناسب برای فعالیت فرهنگیان نیازمند یک قدرت اقتصادی و روانی و تئوریک هستیم ولیکن شرایط، توانایی های ابران خواسته ها را از معلمان گرفته است.

آیا تشکل ها برای از بین بردن این فضا فعالیت ها و عملکردهای خاصی را انجام دادند؟ داوری: با تمام کاستی هایی که در این تشکلات وجود دارد اما وجود آنها مفتم است و ضرورت وجود تشکلات بر هیچ کسی پوشیده نیست اما فرهنگیان به خاطر یک دید بدبینانه تاریخی که دارند به این قسمت هم دید بدبینانه ای دارند، اما با این وجود هر حرکتی هم وجود داشته به خاطر وجود همین تشکل ها بوده ولیکن باید این تشکلات و مسوولین و اعضای آنها دست به دست هم باید با یک عقل و خردگرایی که شایسته یک تشکل فرهنگی است جلو بروند.

ابوطالبی: حرکت معلم ها بیشتر از اینکه مدنی باشد یک حرکت انقلابی و توده وار بوده است به نظر می رسد معلم ها بین دو قطب افسردگی و شورش نوسان دارند در حالیکه مبارزات صنفی یعنی قدم به قدم جلو رفتن، یعنی مذاکره کردن و امتیازات کوچک گرفتن. اگر معلمان برای دریافت مطالباتشان و حقشان به خیابان ها بپرزند و شورش و یا تحصن کنند. این نشانه ضعف صنفی ماست. ضعف دیگر در نحوه تشکل هاست، بعضی از گروه ها ادبیاتشان انقلابی است و کسانی که رهبری جریان معلمان را در دست دارند باید به اهمیت تحقیق و کار کارشناسی پی ببرند. کار صنفی کار خشونت و فریاد زدن نیست.

در حال حاضر معلمان چند تشکل و صنف دارند؟

در حال حاضر معلمان دو تشکل و صنف دارند که یکی راست گراست و دیگری چپ گرا و عبارتند از: انجمن اسلامی معلمان به چپ سنتی

خواسته هاشان را به مجلس نشانه برونند که شعار خدمتگزاری را هم دارد.

در خصوص پیش بینی این وضعیت نظر من با نظر آقای ابوطالبی متفاوت است به نظر من با توجه به شرایط، این حرکت ها ادامه پیدا می کند حتی اطلاعاتی ای که سازمان معلمان برای پایان این تحصن داد، ضمنی و تلویحی گفته که این حرکت ما تا هفته معلم اگر پاسخ داده نشود حرکت دیگری خواهیم داشت. پیش بینی دیگر اینست اینست که پاسخی که قانع کننده باشد به این حرکتها داده نخواهد شد

داوری: آن چیزی که می توان به عنوان پاسخ بیان کرد اینست که راه قانونی پاسخگویی یا در قالب لایحه توسط دولت است یا ارائه طرح از طریق مجلس. راه قانونی جز اینها نیست ولی اگر به صورت شفاهی و قول وزیر و غیره باشد اینها راهکارهای درستی نیستند.

داوری: در این مجموعه یک عنصر اصلی معلمان هستند، به طور کلی برای اینکه پروژه به ثمر برسد معلمان باید حرکتشان شأن فرهنگی داشته باشد و در قالب تصمیمات تشکلات حرکت کنند و راهی بجز این ندارند و گرنه متهم می شوند به حرکت های غیر قانونی. عنصر دیگری که در این پروژه است مسئولین آموزش و پرورش هستند که باید واقعیت را بپذیرند و راه های ممکن را شفاف و صادقانه بیان کنند و تشکلات هستند که باید سخنگوی واقعی معلمان باشند و عنصر بعدی رسانه ها هستند که باید بدون جهت گیری، امانتدار باشند. عنصر مهم دیگر مردم، اولیاء دانش آموزان و دانش آموزان هستند که باید همراهی خردمندانه ای با معلمان داشته باشند.

اما این حرکت باید مستقل و بدون تخریب فضایی که در آموزش و پرورش وجود دارد باشد. پورسلیمان: باید یک تحول اساسی در نگرش مسئولین بوجود بیاوریم که آنها مردم را در حرکت ها دخالت بدهند و تا این مسائل جل نشود هیچ حرکتی به ثمر نخواهد نشست

تحت الشعاع قرار دادن حرکت مجلس ششم است، استعفای نمایندگان و حرکات سیاسی که نمایندگان آن دارند. یعنی اینکه جناح راست از این قضیه اینطور بهره برداری می کند که مجلس ششم بجای اینکه به مسائل اقتصادی معلمان بها بدهد مشغول بازی های سیاسی است. مسئله دوم



مسئله برکناری آقای حاجی وزیر است. جناح راست بعد از دوم خرداد پست هاشان را از دست داده اند و می خواهند پست هاشان را بدست آورند بدنبال این هستند که با کنار رفتن حاجی یک وزیر محافظه کار جای او را بگیرد و رؤسا و مدیرکل ها در استان های دیگر تعویض شوند.

داوری: به نظر من اگر این حرکت ها را باید به گونه ای ادامه بدهند که تشکلات با هم هماهنگ بشوند و دبیران کل آنها یک تعامل قوی با هم داشته باشند. و این دبیران کل تعامل قوی را با وزارتخانه داشته باشند و به صورت مشخص با مشاور وزیر در امور تشکلات ها در ارتباط باشند. مسئله بعدی دیگر اینکه صدا و سیما و دیگر رسانه ها اطلاع رسانی کامل و جمنی داشته باشند از طرفی چون مجلس هفتم را در پیش داریم فلش

که یک شاخه ای آن انجمن معلمان ایران اسلامی است و دیگری جامعه اسلامی فرهنگیان که به عنوان راست سنتی مطرح است.

تشکل دیگر خانه معلمان است که از گروههایی منتقد ایجاد شده اما نزدیک به محافل راست و عضو چکاد اندیشان است این تشکل عمدتاً اقتصادی، تجاری است و وارد امور خیریه نیز نمی شود. دیگری سازمان معلمان است که توسط تعدادی از معلمان و مدیران آموزش و پرورش و با مشی اصلاح طلبانه و نزدیک به گروه های اصلاح طلبان بنیادی است تأسیس شده. همچنین کانون صنفی معلمان هم بدون گرایش سیاسی وجود دارد که در تهران و شهرستان ها حدود ۱۸ شعبه دارند که مجموع این تشکل ها در استان ها پراکنده هستند و در شورای هماهنگی تشکلات های کشوری جمع شده اند.

آیا وزارتخانه هم تشکلات معلمان را به همین شکل دسته بندی می کند یا تقسیم بندی دیگری دارد؟

ابوطالبی: این حرکت صرفاً سیاسی است و بهره برداری سیاسی هم از آن می شود

بعد از دوم خرداد جناح راست با شعار معیشت و آب و نان مردم در مقابل توسعه سیاسی با دولت و مجلس ششم وارد چالش شد. و به نظر من شعار معیشتی معلمان و آن دسته از تشکلات های صنفی که تأکید فوق العاده ای روی معیشت داشتند و مسائل دموکراتیک معلم ها و اصلاحات در آموزش و پرورش را در نظر می گرفتند در چارچوب استراتژی جناح راست می گنجد و علت جسارتی هم که معلم ها دارند اینست که می دانند کانون های قدرت در جمهوری اسلامی در واقع با این شعارها در این مرحله از زمان موافقت در مورد پیش بینی آینده من پیش بینی ام اینست که این حرکت ها دو هدف را دنبال می کنند بدون اینکه خود معلم ها بدانند البته ممکن است بعضی شان بدانند یا بعضی ندانند مثل حرکات ۱۳۴۰ که ظاهراً مطالبات معلمان بود ولی در چارچوب استراتژی بود که قرار بود امینی به جای شریف امامی روی کار بیاید. در حال حاضر یکی